

حقیقت

شماره ۱۳۶

۱۳۶۰۰۸

آیا هیچگاه نیروی کوچک میتواند وظیفه‌ای بزرگ را

بردهوش بگیرد

این حقیقت بدیهی است و در هم گزیده شوند، تنه‌ها که یک دنیا نظم از باروت و عداوت است که با قوه عظیم بودا دفا بل احتراق ما بر سستی در آن واحد می‌توان حریق حتمل کننده‌ای که سوسن عظیمی را ایجاد کرد و تیسار برتاب شود چه بزرگ و بد کوچک و یا جنگل خرف شده را در طوف رجه حتی با امانت همین یک کلبه می‌تواند به انفجار و حریق کوبد. حال آنکه با سوه کتر بد شود، یک جنگل خشک و غیر تنجا می‌توان شعله‌ای که زده‌ای را چنان افکنند غرم عظیمی از آتش در آن چه با زدن مثل شعله‌وری بسد گونه‌ای از آن وجه حتی با چیله یا جنگل اثار شده تا شمس کبوی می‌توان آتش زد. سه عیارت دیگر از باروت هر چند بزرگ و حریق از درخت و گیا در هر چقدر نبود و عظیم سر آینه اگر طوبت ندا شد و آتسما خشک باشد با امانت شیبی آتش زائی کوچک و تراشیده شده و سارایت نوبتی شعله‌ان که در حتمی دم می‌توانند آتش گیرند در صفحه ۲

رویشیم خمینی بی لیاقت است

آیت اله خمینی در دیداری که نخست وزیر جدید مهندس کئی به همراه کا سینه جدیدش با وی داشتند، سه واقع کنسولنی مملکت، موج ترورهای شخصیت های رژیم جمهوری اسلامی و کفار مخالفان دربار را، زلزل رژیم جمهوری اسلامی اشاره کرد و گفت: "ایران با ثبات ترین کشورهاست و اما وقتی عقاب سست می‌کنیم مملکت خودمان را بر همه سما لکی که در عالم هست با ثبات تر از مملکت ما کدام مملکت است". البته منظور آیت اله خمینی از "ایران" و "کشور" و "مملکت" رژیم ما کم بر این کشور یعنی رژیم جمهوری اسلامی است چرا که ثبات یا عدم ثبات یک کشور و یک مملکت، بخودی خود زیاد معنا و مفهوم دقیقی در بر ندارد، از کلیه سخنراش اثر همسین منظور درک می‌گردد.

آیت اله خمینی برای اشیاء و دعای خود در دلائل چشم پدید جنگ انداخت. اینکه ترور شخصیت های سیاسی یک رژیم باقیل بر عدم ثبات آن رژیم نیست چنانکه پیا رفتن از روسای جمهور با لات متعده آمریکا نیز ترور شدند و رژیم آن کشور تا کنان بخورد و "بنا نم‌شود" که تکان بخورد. اینکه به محض آنکه نخست وزیر بر سر نشاند، نخست وزیر دیگری برگزیده شد و بعضی آنکه در استان انقلاب ترور شد، در استان انقلاب دیگری بر تاسی نشیب و معدن آنکه در رئیس جمهور ترور شدند در هدایت قانونی رئیس جمهور دیگری بر تاسی خواهد نشست و... اینکه ترور و انفجار در همه جای دنیا هست و کجا است که ترور و انفجار نباشد و از این لحاظ ایران ویژگی مخصوص بخود ندارد و از اینگونه "دلائل" و "براهین". ولی تمام این ادعاها و تمام این "دلائل" با به شان مست است و بر آب بنا شده است.

آیت اله خمینی میگوید چه رئیس جمهور آمریکا را ترور کردند و آب از آب تکان بخورد، البته خندان هم می‌گویند که "بنا نبود" تکانی بخورد، فرق ترورهای روسی جمهور آمریکا با ترورهای که امروز در ایران صورت می‌گیرد بسیار زیاد است. در آمریکا ترورهای روسی جمهور، از این جهت است که سبب رزه‌ای از جانب طبقات محکوم باشد، اما ما صورت تسویه حسابهای درونی هر شب جا که صورت پذیرفته است. در صفحه ۲

دانشمندان روشنگرانه در مورد نیروی کوچک

آیت اله طالقانی

سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، برای خالی نبودن عریضه، و برای ردگم کردن و سوءاستفاده از حسابات مردم و علاقهای که آیت اله طالقانی تفتند داشتند در روز ۱۹ شهریور روز درگذشت آیت اله طالقانی مراسم در بیست و چهار و بر سر عزراشان پرا ها ندا ختمند، حشرای قشنگ و بی دردسری زده شد و دروغ و ریا از آیت اله طالقانی تحلیل به عمل آمد.

آدم چون دیگر آیت اله طالقانی در این جهان نیست که حرفی بزند، او و سبب است که در زیر خوارها خاک آرمیده است.

حرفهای عشنسنگ و ریاکارانه کمی را غریب ندان و ضمیمه دلی در میسسان سخنان پرده مطلق جهت اسلام بها دخواهد وزیران و... اسلامی که خفگی ها، سخنها و ادای بهتشیسی را در دنیا وردا، در صفحه ۲

دانشمندان برونج کار و مبارزه طبقاتی در شمال

صفحات سخانی ایران دم اکنون در لحظات حساسی بسر میبرد، ترور و استبداد حکومت خودکامه خمینی قسمت قابل توجهی از قربانی های خود را بصورت اعدا جوانان انقلابی از صفحات جستجو می‌نماید، جوانان انقلابی این مناطق پیش از پیش به کوه و جنگل رده و با ترور مقامات حکومتی براد مبارزه مسلحانه برای سرنگونی رژیم خمینی گرایش می یافتند.

جنبش دهقانی در صفحات شمال، ما زندران و کیسلان، سی آنکه محل قتل زمین به نفع خویش نماند آید، هم اکنون در کنگش مقامات بر علیه حکومت سوز و آغوشودال کنونی بر سر در صفحه ۲



روز ۱۳۶۱

بقیه از صفحه اول
آیا...

بک نقطه اغرو شده شده است بسه
نقطه ای دیگر یعنی با سیسیر
ندریجی ولی تمام عدی شعله ای
کوچک بدجریجی بزرگ روی سرو
سبا شیم .

در شرایط مسا عدوقا بسیل
انفجار سیاسی دریک جامعه هم
وضع همینطور است و بیسیر
کوچکی و بزرگی یک نیسیری
انقلابی نمی توان در تصمیم و
تزم آن نیروی انقلابی برای
توانید حریق انقلاب در آن شرا
بسط نقشی تعیین کننده ایفا
کند . این بدین معناست که
هنگامیکه شرایط عینی و ذهنی
جامعه برای تمام آماده است ،
این وظیفه است در برابر همه
شوای مترقی و پیشرو در آن جا
سعه و فراوانی و بزرگی و
رقوت و رفعت آنها ؛ ولی بستند
بد بزرگی و کوچکی و قوت و ضعف
شخصی و سروای قیام مترقی بسبا
سیر می که بزرگ این توانیست
و وظیفه ما شری از آن رسیده
است ، شکل و طریق ممکن برای
سرس و سراسری شدن قیام
شعبه می کنند و سیاست هسبای
مشق و نی اتخا ذمه گردد ، بسسه
عبارت دیگر بر خلاف پیساره ای
شعورات چرمی در جنبش ما بسبا
یک نیروی کوچک تصمیم و
بشرط اتخا بسبا بسبا و نا کتیک
هنا بسب در خدمت یک شوا بط
و تامل انفجار سیاسی بسب توان
نا درین یک قیام همگامی و ملی
را پیدا در آورد ، صفتها بصورت
بسه شعله ای گدسه و بیسیر
تکامل پیدا میکند .

با مصالحه و سازش و
مردا و علی ایران روز مسلمان
انقلاب مترقیه نیز از همین نوع

بود و کاملا ثابت کرد که در
تحت یک شرایط مسا عدوقا بسیل
انفجار سیاسی (کهیرا نیسیر
کودتای قاجار بر جود آمده بود)
حتی شعله افروزی نیسیری
قلیل مضمون کار دانیسی در
گوشه ای ار کشور (آنهم گوشه ای
از شهری) هم میتواند پیس از
چندی بدجریجی تنظیم تکامل
پیدا کند و حکومت کودتا را در
هم فرو گوید .

این مطالب را از ایس
لحاظ در اینجا طرح کردیم که
همر زمان با پیس کمنیست
های کشور ما ، که طبعا همسرز
نیروی کوچکی را در جنبش
سیاسی تشکیل میدهند ، در
رود روشی با شرایط انفجار
آمیز و جای نیازی طلب کمنیستی
کشور که وظیفه قیام را در دست
کار قرار میدهد ، خود را نیازمند
و تصور کنند که کوچکی و قلنس
فعلی ما میتواند با رجنیس
وظیفه ای را از دوش ما بردارد ،
با آنکه گویا بیعت کوچکی و
ضعف نسبی ما انجا مضمین
وظیفه ای نا ممکن است ،
برعکس بسبا هم ممکن و در حد
توانا شری همه ما است .

نقطه مشخص وظیفه
تصمیم و تشریح سلیم و خسلای
لازم است .

پیدا نیاید و اتقا ، که
شورجریان زد و خورده هسبای
تا ریمی و تکامل مملو همسرز
بلیغات و در نهایت لجاتی بیسیر
دیبا رده که ببرت و سخت
عمل ، تصمیم و مجازم در تعیین
سرنوشت سیر و ما شری که هسب
انقلابی و سرشخوا نا نه یک
کشور را بنا بسب می کنند ، در
تعیین شکتب یا موفقیت فروری
یا بر حمله ای جنبش در آن کشور ،
نقش کلیدی ایفاء میکند . بسه
اارت دیگر بر جود ، بر سر برد
و تامل و عوام مل ذهنی بسب
سر نسبت به زمانه بسبا و
و بیسیر آن آمریکا ، بن نه بسبا
تعیین کنند ، بسب در آن حکم
در باره همه شری و ها آنکه و
بزرگ ، از دیکه با کمنیست بسبا
مادق است ، سر شین زمانه

شری تا پیشود که صحنی عظیم و
شکلاتهای وسیع و پرتغوذی
بدلیل تذبذب و تل کساری و
عدم اتما دینفس ویا بر تنفس
شور و بیجا و در نتیجه بسیل
انکاری رهبران شان ناگهان
از هم میپاشند و بسه هسبای
خرد و پراکنده ای تبدیل
میشوند ، و حال آنکه برعکس
گروه های کوچک و شویا شری بسه
دلایل درک صحیح و بموقع ،
وظیفه شناسی و غیر شندیشا
ناگهان بدنیروشی منجمد و
عظیم و عا مئی قلعی در تکامل
آتی مبارزه تبدیل میگردند ،
بعلوه کمنیستها بسسه
عنوان و حدان پیدا رها بسسه
پیشرو یا بددریبتا پیش بندش
آزادی در کشور ما حرکت کنند و
نه در دنیا لجه آن و بسبا در
انتظار حرکت دیگران ، و لسی
پیشرو بودن در عمل است که
میتواند دنیا پیدا بسبت شود . بسه
همین دلیل یک کمنیست قبل
از آنکه در ما ره شوانا شری و
آما دگی ما دی خوب بسبت
بیا بندیشا بددریاره و وظیفه و
نقش خویش اندیشه کنند و
پیشتر از خویش را مدلس
سازد ، برای مثال از کمنیست
نیستهای آلبانی در شرا پنا
اشغال فانیستی کشور شنان
الیا م بگیرد که بسبا به شفته
خردشان سا که ترین در حمله
آما دگی ، ندانشان کسبا در و
ضعف های متعدد و حتی فقدان
بیا یگانه فایله توجه پرچم
جنگ انقلابی خلق آلبانی را
یکتند برافرا ختمند ، بسب
بیشا بیس همه ، هسب بسب
اشا لگران شتا شند و در جریان
آن یک به یک بر همه کمبودها
و ضعف های خویش نیز غلبه
کردند .

ما در شمار ه های بیسیر
شور ، در باره اتخا کمنیستی
کشور و وظیفه ای جل و غیره تامل
صراحتی کرد ، آن اوستا ج در
بیشر بای انان بسب ، کشور ما
فوار میند و خوشه ایسان را زده
و ششته ایم .

امروزه ، نیرو هسبای

انقلابی و مستعد کشور موظفند
به خبا ننگاران رذلی کس
اینگونه تمشیر بر روی ملت
ایران کشیده و کشور را به این
وضع شکست بار و ظلمنا نسبی
کنانده اند ، اعلام جنگ کنند ، و
منظور ما از اعلام جنگ هم خود
هنگام است ، دو سال و چند ماه
کشا کش نبوده های مسردم و
نیروهای مترقی جامعه بسبا
جریان ارتجاعی ، فاسد و
خیانت پیشه ای که در پیس
انقلاب بهمن ۵۷ به تجدید
بساط استبداد قرون وسطایی
جدید و تسلیم در برابر
تدرتها به اتکای مکر و فریب
مذهبی مشغول شد ، سراجام
به لحظه تعیین تکلیف رسید ،
با کودتای با جوانمردانه و
خا کنانده خمینی را خوندها و
آخوندها بسبای خونخوا ر طرفدار
او بدوره ، همزیستی پر کشا کش
و نا پایدار نیروهای ما هسب
متخاصم ترقیخواه و ارتجاع
قدرت گرفته مذهبی با بسبا
داده شد ، از این پس مسردم
ایران تنها با قهر و خونریزی
میتوانند راه وصول به هدفهای
انقلابی را که امروز لگنه سال
مشی علای متقلب و خا کنان
شده است شوا ر کنند و کشور خود
را از این وضع پرا شوب ، نا امن
و بیرونی نجات دهند ، بسه
عبارت دیگر قیام مسلحانه
نظا را در مقابل با کودتسا و
نا جلترین وظیفه عملی و
ما زمانه نیروهای انقلابی و
ملی کشور ما در لحظه حاضر است ،
این وظیفه در وهله نخست بسب
دوش بخش پیشتر از جنبش آزادی
ایران یعنی کمنیست های
ایران میباید .

والسلام !

بینه از مفدا ول

رژیم خمینی

جناح های مختلف طبعه حاکمه آمریکا که همگی به قیام و ثبات رژیم سرمایه داری حاکم شده اند علاقمندند، برای احراز موقعیت برتر برای تسویه حساب و بطور عام در میان رزه قدرت، هراز چند گاه و گاه بیکدیگر میشتند، ترور کنند و از آن مهم تر ماجرای و ترکیت از نمونه های بارز این میان رزه نهان و آشکار قدرت بین جناح های مختلف سرمایه مالی حاکم در آمریکا است، اینگونه ترورها را نمیتوان با ترور راجائی، با هنر، قدوسی و... که معنای به مبارزهای از جانب نیروهای طبقاتی دیگر مسورت میگردد مقایسه نمود، این از نکته اول.

اما بابت اله خمینی بسیار آگاهانه خود را به نفعی میزند، نکته مهم اینست که این ترورها نه در هر شرایطی، نه در بیستک اوضاع آرام و مومک متحرک میازاتی، نه در دوران سکون و آرامش اجتماعی صورت میپذیرد، این ترورها در شرایطی وقوع مییابد که بفران انقلابی بزرگی سراسر جامعه را در بر گرفته است و این ترورها فقط بخش کوچکی از نظام طبقاتی موجود در جامعه محسوب میگردد، دو سال و اندی پیش، آیت اله مطهری را هم ترور کردند ولی هیچ کس نگفت که رژیم جمهوری اسلامی در آن مقطع زمانی رژیمی بی ثبات گردیده است، ولی امروز این حرف زده میشود، نه بخاطر اینکه راجائی و با هنر گشته شدند، بلکه بخاطر اینکه جریان خمینی به جریان انقلابیت محدود جا معبدل گردیده است، بدلیل آنکه اکثریت عظیمی از جامعه رژیم خمینی بطور کامل سریندا اند و هر روز گروه های بیشتری از مردم فعالان و اردی بر صده سازه برای برانداختن این رژیم میشوند، نکته اعلسی در اینجا نهفته است، بی ثباتی و یا ثبات یک رژیم از این مشخصه ظهور یافته میشود، و سازه از اینکه کسی ترور کرده است یا نشده است، اگر چه همین ترورهای بی دریبی نیز نشان دهنده بی عزتگی و بی درو بیگری این رژیم است.

آیت اله خمینی می گوید که ای دنیا رژیم بی ثبات تر از رژیم جمهوری اسلامی دیده اید که امروز نخست وزیر را میکشند، نردان نخست وزیر جدید معرفی میشود و آب از آب تکان نمی خورد، آیا آیت اله خمینی سرخوشی با ملت دارند؟ آیا اینهمه دلایل ثبات یک رژیم می باشد؟ آیا یک اشتباه بسیار دیوانه لارا نه دلیل ثبات یک رژیم است؟ آموزگار را متعنا در دور عیسیست و فردایش ثریب انا می آمد، شریب انا می شکست خورد و فوسرا رکورد، فردایش از هاری نخست وزیر شد، از هاری هم کاری نتوانست بکند، فردایش به عیای رنخت و بر بر شد، ولی آیا آخو قیسیست با شریب ۱۳۵۷ - شاه سینوا است ادعا کنند رژیمنا هساشی با ثبات است چون یک شبه نخست وزیرها تعیین شدند؟ بین حرفیسمای و ادعا سچکانه دیگر خیلی از روی نا پاری، و واقعا بیسترای دلدار ی خرد و اطرافان خود از طرف آیت اله خمینی اظهار سار شده اند و گفته هیچ آدم ما قلبی این "استدلالات" غلابی را بسرائی اثبات ادعای ثبات رژیم خود میمان نمی آورد.

آقای خمینی در دیداری که به هیئت وزاری جدید دارند، یک ساعت تمام در باره اینگونه رژیم جمهوری اسلامی "با ثبات" است سخن میگویند، آیا انتخاب این موضوع، خود دلیل بر بی ثباتی

نیست؟ آیا رهبر یک رژیم با ثبات اعلام خود زحمت میدهد که درباره موفقیت مستحکم!! خود یک ساعت تمام حرف بزند و با "دلایسل" بی بنیان و بیگانه "قدرت شما بی" بکنند؟ این چطور "ثبات شما" است که آقای خمینی در همین گفتار خود در باره ای که بینه هسشار میدهد که "هریک وزارتخانه خود را بسیار تحت نظر بگیرد و اشخاصی را که میثنا سند و اشخاصی را که سابقه با ن را دارند سند بیا و رند و اشخاصی را شناسی را اشخاصی که اختلا لا یک چیزی هست، امروز اختلا لش منجز است... بیرون دعا بیند، این چگونه رژیم "با ثباتی" است که حتی از اطرافیان خودش هم می ترسد؟ این چگونه رژیم "با ثباتی" است که فقط و فقط به عده ای دستچین شده "آشنا" بنده است؟ پس کجاست آن "کابینه" ۳۶ میلیونی؟ پس کجاست آن "سازمان اطلاعاتی" ۳۶ میلیونی؟ آیا هسسه اینها بجز حرف و فقط حرف چیز دیگری است؟

آقای خمینی ادعا دارد که رژیم "با ثباتی" در ایران موجود است و تمام حرفها در مورد اینکه این رژیم عمرش بسر آمده "تلیفات" است و بیس ولی ما تا بحال رژیم "با ثباتی" ندیده سویم که در عرض کمتر از ۳ ماه ۱۰۰۰ نفر را به جوخه اغسندام بسپرد، در تاریخ فقط با رژیمهای کودتائی گدا زور و سلطه صرف بقدرت رسیده اند، بدینکار زدن تا موقعیت متزلزل خود را محکم نمائند (مانند رژیم کودتای ۲۸ مرداد در ایران، رژیم سیم کودتای پینوشه در شیلی، رژیم کودتای سومار و تودرا اندونزی ...) و یا رژیمهایی که از طرف تحت حمله هستند در حالت سقوط، ولی رژیم "با ثباتی" که ادعای پشتیبانی ۳۶ میلیونی هم دارد، این چنین متمرکز و بی هدف (و فقط برای ارباب و ایجا دوخت) دست به کشتار ملت و مخالفین خود نزده است.

رژیم خمینی بی ثبات است، نه فقط بخاطر اینکه رئیس جمهور، نخست وزیر، رئیس دیوان عالی کشور، دادستان، انستاب، عده ای از نمایندگان مجلس، برخی از ائمه علمای... در عرض چند ماه گذشته ترور شده اند، بلکه در اساس بخاطر آنکه اکثریت عظیمی از جامعه از این رژیم روی برتا شده اند و بدینصورت مخالفان پیوسته اند و هر روزه عده ای بیشتر فعالان در راه سرنگونی آن مجاهدت می کنند. بی این دلیل آقای خمینی خیلی کم به این نکته اشاره کردند، اگر چه در بیستگرمای تبلیغاتی شان تعداد پشتیبانان توده ای هیچگاه از ۳۶ میلیون پائین نرسد نمی آید!!

در هفتاد و نهمین شماره کار...

بینه از صفحه ۴

و هم به بی ثبات نردن انتخاباتی - سیاسی رژیم بی ثبات و خردگان مد ولایت فقیه -
و علامت جنبش انقلابی و در راه آن، بینه کار و گرا بسران پشتیبانی از خواست ها و مبارزات توده برونج کار در محض حساب نمایان و ارتقا آن به سرنگونی رژیم خونگامه کنوسی و بیسسه بیروزی رساندن اناندر، بوم علیه میرانایم و شود اناسیم و سر راه داری وابسته است.

اداره



بقیه از صفحه اول
دهقانان
برنج کار...

دلانه و تحمیلی برنج به سر میبرد. مسائل فوق به همراه
و مخالفت عمومی طبقات کشاورزان و روستاییان را در این
وجود آورده است. بحرانی که با مفاصن و بصورت مختلف
برون در سایر مناطق ایران نیز پیش میخورد.
مسئله بر سر قیمت تحمیلی برنج بدین صورت آغاز شد که در
دو ماهه سال، دولت خرید برنج از دهقانان را انحصاری
اعلام نموده و قیمت نازل و غیر عادلانه را پیشنهاد نمود.
این حرکتی، بجای آنکه در خدمت تقویت اقتصاد دهقانان
برنج کار باشد، آنان را در موقعیت پست تری نسبت به آنچه که
عماکنون شرایط نامساوی از لحاظ اقتصادی برای دهقانان
میسازد، قرار میداد. این حرکت بلافاصله با مقاومت و نافرمانی
بنی عمومی بوده. دهقانان برنج کاران زدن و گیلان قرار
گرفت. حکومت مجبور به عقب نشینی شد و قیمت پیشنهادی، اگر
برنج گیلان را ملاک قرار دهیم، از ۱۲۵ ریال به ۱۲۵ و سپس به
۱۵۵ و بالاخره به ۱۷۰ ریال تغییر یافت. این تغییر در قیمت
پیشنهادی در عرض یک ماه و اندکی گذشته، با آنکه ناشی از
مقاومت و مبارزه دهقانان بود، با اینحال هنوز نا عادلانه بوده
و بیوزن و بیگونی دهقانان فقیر و میانسال این مناطق
شده باشد.

مسئله قیمت نا عادلانه برنج علاوه بر اینکه برگزیده دهقانان
برنج کار شمالی ما سنگینی میکند، در عین حال بصورت مسال
رفتن قیمت آن در برابر برنجی که در همه اقالیم
فتا را آورده و سنگینی میکند. ولی مسئله به همین جا ختم
نیافته و بلکه خود به بی ثباتی اقتصادی حکومت کنونی و بساز
شدن بیشتر دست سلف خزان و دلان محلی و استعمار بیشتر آنان
بر دهقانان می انجامد. برای درک بیشتر از اهمیت فوق
می بایستی به چند نکته اساسی توجه نمود:

۱ - زندگی اصلی توده مردم در مناطق زدن و گیلان بر سر
کشا و رزی تکیه دارد. در این میان کشت برنج، بیوزن در گیلان،
از اهمیت خاصی برخوردار است. بر طبق آمار کشا و رزی سال
۱۳۵۲ حدود ۷۵/۳٪ کل اراضی برنج کاری در ایران متعلق به
این دو استان است. در این میان از کل اراضی مزروعی
محصولات مختلف در گیلان، ۸۲/۹٪ آن به تولید برنج اختصاص
دارد. هر چند در مناطق زدن و گیلان تمرکز در زمینه کشت برنج
دیدیم، سود و درآمد منطقه ما نند نور، آمل و غیره کشت برنج
بر چنگی خاصی دارد. تعداد دیه برادران برنج در این دو
استان حدود ۲۵۱/۵۵۷ نفر بوده که با جمعیت خانواری آن متجاوز
از ۱۲۵۰۰۰۰ نفر را در بر میگیرد. یعنی مسئله قیمت نا عادلانه
برنج از جانب حکومت خمینی برگزیده بیش از یک میلیون نفر
توده دهقانان در مناطق زدن و گیلان سنگینی میکند. به عبارت
دیگر رژیم خودکام و ولایت فقیه اگر بخواند خرید برنج را با قیمت
نازل فوق در اختیار خویش در آورده و مقاومت میلیونی برنج -
کاران مواجه خواهد گشت. مقاومتی که تا بحال چندین بار در
طول یک ماه و اندکی گذشته، رژیم را وادار به عقب نشینی نموده و

اورا مجبور به با لایردن نرخ قیمت برنج نموده است.
۲ - ولی حکومت خمینی دارای ابزارها و ارگان های
اقتصادی و حکومتی لازم برای به اجرا آوردن انحصار خویش بر
گرفته دهقانان برنج کار نمی باشد. دهقانان برنج کار، بطور
کلی، قرنهای گذشته در اختیار سلف خزان و دلان محلی
من حیث المجموع از لحاظ تامین و اموال اعتبارات اقتصادی و
اجتماعی و همچنین خرید (و البته پیش خرید آن) برنج قرار
دارند. حکومت فعلی، با توجه به بنیه ضعیف اقتصادی اش و بسا
توجه به ماهیت ضد دهقانی و بیوزن و - فئودالی اش، نتواند قادر
است که دهقانان را از زیورغ استعمار رنیمه فئودالی و ما قبل
سرمایه داری سرمایه ربا شی - دلانی بدر آورده و ناچار است
احتیاجات کشا و رزی دهقانان را همانند سلف خزان و دلان
بر آورده کند. حرکت حکومت مستبد کنونی در انحصار نمودن
معاملات برنج جا بجای استعمار و دست سلف خزان و دلان محلی به
استعمار و مشا به از طرف دستگاه بیوزن و - فئودالی حکومت
میباشد. آنچه در شرایطی که حکومت بنیه اقتصادی برای چنین
جاگزینی را من حیث المجموع ندارد. در نتیجه توسط به زور از
یک طرف و توسط به شیوع از طرف دیگر یعنی استبداد شوخی حریفانه
اصلی حکومت در پیاده نمودن انحصار نمودن معاملات برنج
است. چنین حربه ای منجر به مقاومت وسیع و گسترده نموده برنج -
کاران شده. بر بی ثباتی اقتصادی و سیاسی رژیم فاسزوده و
بالاخره به با لایردن بی با بقاء قیمت برنج (همانطور که تا بحال
در عرض یک ماه و اندکی گذشته در بار قیمت برنج چندین تومان
افزایش یافته است) در مقیاس کشوری و فشار آن بر توده ملت
ایران خواهد بود. در چنین شرایطی دهقانان شمال علاوه بر
سنگینی استعمار و دست حکومت کنونی برگزیده خویش، استعمار
سلف خزان و دلان محلی را در برابر برزیده های کشا و رزی خویش
مانند اعتبارات و وامها ایضا در برابر بیشتر از گذشته اختلاس
خواهند نمود. در یک کلام چنانچه حکومت خمینی بتواند دست
ضد دهقانان خویش را بپا نه کند با مقاومت و مبارزه دهقانان در
مناطق زدن و گیلان و رشت و رضاییتی عمومی در مقیاس کشوری مواجه
خواهد شد. اما بدلیل کد بر شمردیم پیا ده شدن این طرح فقط بسا
اعمال ترور و اختناق و با تکیه بر سر نیزه انجام شود و نگشت. و در
شرایطی که رژیم خمینی در موقعیت بی ثبات و تحت حمله قرار
دارد، برقراری این شرایط برای ایشان ناممکن می نماید.

۳ - چنانچه حکومت خمینی نتواند در طرح فوق را پیاده
کند، استعمار و دست سلف خزان و دلان محلی، در شرایط شکست رژیم
خمینی در انحصار نمودن خرید برنج، همراه با به ابعاد
گسترده تری بردوش دهقانان سنگینی خواهد نمود. از لحاظ سیا
سی ماهیت رژیم ولایت فقیه که خواهان خلق بدست و استعمار
رنیمه فئودالی و ما قبل سرمایه داری از گزیده دهقانان و رهاشی
آنان نمیباشد، به خروج بیشتر و کما ملتری بر دهقانان برنج کار
شمالی، که کمتر درگیر جنبش دهقانان بر سر مسئله زمین و سر و
کله زدن با حکومت بر سر آن در چند سال اخیر بوده اند. روشن خواهد
گشت، از لحاظ اقتصادی با لایردن قیمت برنج در سراسر کشور و
عدم کنترل آن از جانب حکومت فاش ربر توده اقالیم ملت از لحاظ
هزینه زندگی بیشتر شده و خود به بی ثبات شدن رژیم کنونی کمک
خواهد کرد.

۴ - در هر دو حال، مسئله انحصاری نمودن خرید برنج و قیمت
نا عادلانه آن، هم به رشد مقاومت و نافرمانی و مبارزه در مقیاس
کشوری و با درصفا ت شمال خواهد انجامید

سخنان مشکوک

"منافین" (یعنی مجاهدین خالق) خوش نیا مدو آنه... (یعنی مجاهدین) شهید شدند که دیگر ظالمانی مشرک نیست وینا بر این وی را از سر راه برده شدند!! البته گفتند که این از "اسرار" انقلاب است فقط "خدا بدان آگاه است" ولی ایقان هنوز "مشکوک" ولی دروغسوی "مشکوک" ما بسیار موکنا شریف دارند فقط مسئله را مشکوک تر کردند!!

شادروان ظالمانی در خطبه های آخرین خود در بهشت زهرا بر سر مزار شهدای انقلاب، بر روی دو مسئله تاکید داشتند، شهادت و شورا. و بیچین دلیل هم دور و نزدیک در گذشته، شما مردم یکبار چه این بود: "بیام ظالمانی، شهادت است و شورا". در آن خطبه ها شادروان ظالمانی لبه تیز حمله اش بر وی "آنها" می بود که از شورا تا دل خوشی ندا شنیدند و میخواستند آنها را منحل کنند، و آیت الله ظالمانی به آنها گفت "بروید بی کارتان بگذارید مردم خودشان کارها را درست بگیرند". و این کسان مطمئناً مجاهدین نبودند، "آنها" بودند که در شورا، انقلاب و دولت موقت حاضر بودند و دولت بر سر راه مردم سنگ می انداختند. در آن خطبه ها آیت الله ظالمانی به مردم گفت که "عهده ای" می - گویند حرفها بی را در ملا، نام نزنند و بیاید در گوهی در مجلس خسران کذائی به "آنیسا" بگویند. ولی آیت الله ظالمانی در مقابل "آنها" گفت که من با موکلین خودم در ملا، تمام صحبت میکنم، البته جنس با معاذیخواه دستنبره هستند که در

سخنان مشکوک موجود بود که بدون آنکه جناب ایقان خود متوجه اش باشند، خیلی چیزها را برداد.

ملت ایران که مسولاً شمه بیزی دارد، از همسان روزهای نخستین پس از مرگ آیت الله ظالمانی، آرام آرام زمزمه های ساز کرد، زمزمه های شیاریسیل اینکه مرگ ظالمانی مشکوک بوده است و... این زمزمه ها آرام آرام در شرفشار "استیدا" در بریده، دینی" کسه شادروان ظالمانی از آن صحت میکرد به فریب ده های رای "بهشتی، بهشتی، ظالمانی رونوشتی" بدل شد. ایچین مسئله در جامعه مطرح شده بود و درست یا نادرست - نمودار یک احساس قلبی مردم بود: بسک احساسی متفاوتا که ظالمانی و بهشتی را در مقابل یکدیگر قرار میدادند. یکی را به عنوان یک انسان آزاد بخواند و مردم - دوست و دیگری را به مثابه یک فرد شریر و مستوری رجان. کاربرد جاشی کشید که ختمی آیت الله خمینی نیز پس از مرگ بهشتی - فقط پس از مرگ بهشتی - با این سردر فلک انداز کرد و آنها را فقط بسک "تهدت" دانست.

ولی حجت الاسلام معاذیخواه در روز پنجشنبه با صلاح "آنی" رو کرد و خواست ورق را برگرداند، ولی بسیار افتحاح از آب در آمد. جناب ایقان با قیاسه حق بجای نمی گفتند که ایقان هم نسبت به مرگ ظالمانی "مشکوک" تشریف دارند. و از آن جهت "مشکوکند" که شادروان طمانی لغانی در آخرین خطبه های نماز جمعه در روزها جمعه ۱۷ شهریور، در سال ۱۳۵۸ مطمانی را گفتند که به سفاک

روشنی جمهوری اسلامی... بقیه از صفحه ۱۴۱
و از آنجا که تا کتیک نوین مجاهدین بشتر میسرند که میخواهند بدین مسئله پاسخگو باشد، بسیار مثبت است.

ولی با بد موضوع را دقیق تر مورد بررسی قرار داد. آیا تا کتیک که مجاهدین بر کزیده اند جا بگوی ایچین سوال میرود شرایط امروزی انقلاب است یا نه؟ آیا ایچین تا کتیک میتوانند مردم را بسوی خود جلب کنند؟ ما ایچین تا کتیک (یعنی ظواهرات غیبا جانی، مسلمانان) از تحقیق ایچین وظیفه عاجل و اساسی عاجز است. مشکل این تا کتیک در آنجا نیست است که اولاً بزرگی مردم بر آن کنند که در حالت مناسبتی برای وارد شدن در نماز در آن موقعیت مشخص نیستند. بعداً شریفگذا رد منظور آنست که مردم تا کتیک با یک نظر است مسلماً به روپرو میباشند، و فرصت تفکر برای پیوستن بدان را نداشتند و با املا بدین منظور است غیبا جانی، نیا مدها شد و همچنین این اقدام مسلماً تا نقد کوشش مدت است که هرگونه فرصتی را برای پیوستن مردم بدان عملاً سبب میکند. تا نیا این تا کتیک جبری قهر منعی از جا مدها رسنای نمیکنند، توندهای ناممگون از مردم را در بقابل یک کار انجام شده میکند و در خیلی زود به تمام میرسد. وینا برای آنکه چه هوا داری بسیاری از مردم را جلب میکنند ولی موقعیتی برای پیوستن فعلاً نیا مدها شد.

مردم فقط در دو مورد به یک نظر است و با بدیک عمل مشخص در شرایط کنونی می پیوندند. با بدین منظور مشخصی از قبل در میان مردم تبلیغات سیاسی شده با شد و سازماندهی شده با شده است و ارد عمل مبارزاتی کردند. مردم با بد آگاهانه، و با یک شناخت روشن از اهداف و چگونگی مبارزه و ارد عمل کردند تا بدترین نتایج برای مبارزه بد دست آید، و اینکار فقط با تبلیغات سیاسی رسنای در بین مردم و اوقات و طبقات مشخص مردم امکان پذیر است. شکل عمومی و راه عمومی سازماندهی مبارزه توده ای مردم است. ولی در شرایط بحران انقلابی، در شرایطی که مردم تا نه مبارزه هستند، در صورتیکه یک مبارزه جدی و مسلحانه که از بد او مبر خوردار باشد، نیز تا در به جلد مردم و گسترش آن و توده ای کردنی میباید شد. در صورتیکه توده مدها شده باشد، در صورتیکه فرصت نیا نماند، مردم فرصت فکر کردن به مردم، فرصت آگاه ساختن مردم را بد هساند، و غیراً اینصورت نمیتوان مبارزه را توده ای کرد.

البتد ممکن است هدف مجاهدین از این تا کتیک، توده ای کردن این ظواهرات نیا شد، یعنی خود دوستان ما خدمتانتظار نداشتند تا کتیک مردم به این ظواهرات نیا بیبوندند و فقط بس برای نشان دادن قدرت مسلح مردم این کار را مینمایند. یعنی از این ظواهرات ما بعنوان حربه؛ تبلیغاتی سود میجوییند. در این صورت ما با بد گفت که مشکل در اوضاع کنونی اینها نیست، مشکل ما منظور که کنیم آنستکه چگونه این مردم "آساده" مبارزه را میتوان بشطور فعال وارد مکنه ساخت.

مجلس خسران از مجاهدین به او نصیحت پیوسته است که چه خبری نبوده، ولی از بهشتی ما و آیت ها و... خیلی فیهر ما بود. آیت الله ظالمانی در همان خطبه ها گفت که عده ای میخواهند "استیدا" در بریده دین را در جا مده مستخرمانند. و مطمئناً این عده مجاهدین نبودند و امروز هم آن پیشینی

به او نصیحت پیوسته است که چه کسانی بودند "آن عده" حجت الاسلام معاذیخواه سخنان مشکوک در این مراسم بزبان آورد، بیخیال خودی ورق را برگرداند!! ولی مردم را بیاد آن دزدی انداخته که در کچه ها میدوید و فریاد "آنی دزد، آنی دزد" مدها مدها بود!



بقیه از صفحه آخر

در سیاست

که با طرح اسلیم بعنوان محور ضدیت با صهیونیسم تدوین شده است طرحی تفرقه افکنانه است. این اسلام کذا را قتلش نفی هرگونه ملی گری و میهن پرستی است نمیتواند برای مسردم فلسطین که برای نجات میهن اشغال شده شان مبارزه میکنند، پیام آورهای بی باشد. مردم عرب فلسطینی که از مسلمان و مسیحی و حتی یهودی و از ما رکیست و ملی گرا و غیره همگی به عشق وطن و رهایی آن به بیگانه ربوخته اند اندا مروزا ز طرح شعرا هائی مانند جبهه اسلامی که طرا حاش در ایران حتی از برقراری وحدت در میان مسلمین عاجزند استقبال نخواهند کرد و نقش آن را در روند فبا رزائی خود و این گرا و تفرقه افکنانه نخواهند شناخت. بینا بر این این طرح کذائی نه تنها محکوم به شکست در جلب توده های مردم است بلکه در واقع وسیله ای برای مخدوش کردن مفوف و بهم ریختن جبهه" نقاومت در برابر صهیونیسم شنا لگرمینیا شد. از این میانی که بگذریم جبهه" اسلامی قد صهیونیستی نیز بعنوان مظهری از این رژیم ما تندبسیاری دیگر از برچشم های دیگر آن فقط ظا شوی قد و او بر قدرت را در راستا اما نکته ای اینجاست که سیاست ضدیت با فرد و او بر قدرت در شرایطی که مقابله دو بر قدرت در سراسر جهان و به خصوص در منطقه خاور میانه و خلیج هر روز شدت بیشتری میگیرد، شنها در صورتی توانائی و کارائی خواهد داشت که بر توده های وسیع مردم متکی بوده و بزرگ سیاست امیل و سنجیده انقلابی متکی باشد. واقعیت حرکت جمهوری اسلامی خمینی در ایران نشان میدهد که این رژیم تا چه حد با این چنین مقولاتی بیگانه است و چگونه تفرقه و واپس گرا شسی و استبداد را در جامعه ایران حاکم گردانیده است.

پس در رابطه با جبهه" اسلامی هم گرا این نام برای این طرح با بیگانه نشود. دستکم میتوان انتظار داشت که سیاست حاکم بر این طرح بسوی اردو بندی با یکی از دو صف بنسبندی آبر قدرتیا در منطقه متمایل شود. سیاست خارجی این جمهوری یا در جهت همسویی با رژیم های جبهه" پایداری و... سیر خواهد کرد که در این صورت جبهه" واحد اسلامی بخش "نه شرقی" را با یسند با بیگانه نشی کرد و با اینکه این سیاست به سوی اردوی عربستان و غیره سیر خواهد کرد و بخش "نه غربی" از شما رنه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی اندک اندک حذف خواهد شد. و تا فرصت باقی است هم نزدیکی با گروه های کوچک در عراق و افغانستان و بعضی کشورهای خلیج همراه با جریاناتی از نوع امیل و اخوان المسلمین در حقیقت راه را برای تبدیل این رژیم به وسیله" ایجاد تفرقه و تشتت در صفوف نهضت های منطقه همسوار خواهد کرد.

و شتیم که این سیاست در ذات خود متمایل به بر قدرت ها می و چه غربی حمل میکند و عاقبت دست در دست آنهاست. لذا است. واقعیت این است که سرگوب نیروهای انقلابی فی در کشور، ضدیت با دموکراسی و نفی حقوق مردم و با بحال بن ابتدائی ترین آزادیها این رژیم را در ضدیت با توده مردم قرار داده و آنها که بقول خودشان حرم حکومت کردن را زاران سال است که در دل پروراندند نه برای رسیدن به مقصود بناچار بر قدرت های جهانی تکیه خواهند کرد و دستاوردهای استقلال طلبانه نهضت مردم را بر پا نخواهند داد.

اما شاید زلحاظ اهمیت موضوع و جایگاه در تحولات آینده سیاست خارجی ایران مسئله" سفر موسوی وزیر امور خارجه به لیبی مهمترین مسئله قابل بحث در این مجموعه سفرها باشد. البته چنانکه پیداست این سفر که در آن نماینده ایران به عنوان ناظر در کنفرانس جبهه پایداری شرکت کرده است بخودی خود تحول مهمی را نشان نمیدهد و شرح مذاکرات طرابلس هم حاکی از اینست که نماینده ایران را در آن کنفرانس چندان به بازی نگرفته اند و خلاصه اینکه در واقع این حرکت دیپلماتیک هم فعلا بیش از آنکه ناشی از نقش فعال ایران در منطقه خاور میانه و مسئله" فلسطین و اعراب با رژیم صهیونیستی اسرائیل باشد، متوجه کسب وجهه برای رژیم است که کسوس رسوائی آن بخصوص در رابطه با برقراری مناسبات درزمینه" خرید اسلحه از اسرائیل در منطقه بعد از آمده است. در هفته های گذشته مطبوعات و خبرگزاری های غربی اخباری مبنی بر هائی الحسن با رجوی و بنی صدر را مخابره کردند و حتی شایعاتی مبنی بر تماس لیبی با مجاهدین منتشر شد. اینها همراه با حملاتی که در پاره ای روزنامه های داخلی (مثلا صبح آزادگان) به سازمان آزادیبخش فلسطین صورت گرفت نشان دهنده تیسره شدن روابط رژیم با نیروهای جبهه پایداری بود. در گذشته نیروهای امل که از جمله به رژیم ایران متکی هستند با طرفداران جبهه پایداری در جنوب لبنان نیز که قبل و بعد از کنفرانس جبهه پایداری صورت گرفت تا هدیدگری بر همین مدعا است. بینا بر این عکس العمل غوری وزارت خارجه جمهوری اسلامی بمسورت سفر موسوی بدجلسه" جبهه پایداری را با بیگانه نشی در جهت خنثی کردن نتایج این جو بوجود آمده است.

اما بهر حال رژیم جمهوری اسلامی در رابطه با مسئله خاور میانه یعنی قضیه فلسطین یک سیاست اعلام شده دارد که بیابوق و کرنا و در هفته های متوالی آن را از بلندگوها جا رزده اند. این سیاست که همان تشکیل جبهه" اسلامی قد صهیونیستی است بینا به ادعای مقامات رژیم هنوز اساسی بر نامه رژیم در رابطه با اسرائیل کشورهای عربی و خلق فلسطین تشکیل میدهد و موسوی چنین ادعا کرده است که در سفر لیبی هم قصد او طرح این سیاست و تلاش برای پیاپی کردن آن در میان نیروهای جبهه پایداری بوده است.

سیاست جبهه" اسلامی قد صهیونیستی در درجه اول از آنجا

هم میخان مبارزه

برابر اشتراک حقیقت و دیگر نشانیات (تغییر کمونیسم ایران)
میوانیزه با اندک بستی ذیل تا حاصل نماید:

P. O. Box 34641
L. A., Ca. 90034

آبونهان ماهانه حقیقت ۴/۵۰ دلار میباشد.

بقیه از صفحه آخر
روشن
جمهوری اسلامی

سیمت چنان با لاجوردی بخوبی قفسه را برای ملت روشن کرده اند :
"... به اینها اجازه نخواهیم داد که بوسیله تعدد ادی
قرب خورده غافل ، ناگهان اساس جمهوری اسلامی
ایران متزلزل شود."

و نکته برای این با ایدایین را میثابه "درس عبرتسی
برای دیگران" بحما به سبیا ورنند ، ولی "درس عبرت" برای کسی ؟
اساس جمهوری اسلامی چگونه متزلزل شده است ؟

"درس عبرت" مطبوعه برای اعطاء و هواداران نیروهای
انقلابی ، از مجاهدین و کمونیستها و دیگران نیست . این
"درس عبرت" قبل از موج ابعادهای اخیر بیش از دهه منفرد است ؛
چرخه های اعدام سیرده بودند ، ولی با عنایت آن شهکذا زمسوج
هیا رزه نیروهای انقلابی کابینه نمود ، پس "درس عبرت" برای آن
عدها میدود . "درس عبرت" نبوده است ؛ "درس عبرت" قرار
است برای مردم باشد . برای مردمی که میرشان دیگر روزه نما می
گذا ردها است و هر یک از آنها هر چه فای مکن است ، سبیل و اربسه
خیا با سها برای زیر پوشش و خورجی اساس جمهوری اسلامی را بسسه
مخاطره میکنند . آری درس عبرت برای هیا این سراسر است کسسه
رژیم جمهوری اسلامی بد روح مدتی ، ششینی است . رژیم
جمهوری اسلامی از نظرها با خیا با سها ایثار و سرس و وحش کسره
است ، نظرها تها نشی که شکر میکند مردم به آنها حوا چند بیست و
آنکا دیکریا نیروهای سیاسی مسلح متفرق و پور و خواهد بیست و
بلکه با مردم عادی گوجه و خیا با سها طرف میشود و آخو مع واقعا کار
دیگر شما مدهه با یدم سوب کرده ، بدید دیگر سوج وسیع اعداهای
آخر در عکس العمل به نظرها تها نشی خیا با سها عجا هدین و سرس و
وحش رژیم و ولایت فقیه ؛ زکس ترش و دهه گیر شدن آن بر ادها نشانه
است .

پس با یدیم مردم "درس عبرت" بد هتد ؛ اعدام به شدید ترین رجه
خلق آویز کردن به خفا مت سارترین خانت ، در همان خیا با سها و
بیخ دیوار احکام را آلهه گرکن و ... این پنجمین است ترین و وحشت
"بین رژیم" یا "شیا با سها" از مردم ، این چنین است از سیاسی رژیم از
عوضت و احوال روحی مردم ؛ آماده شدتا به خیا با سها سرازید
شودند .

و این فقط شیا بیداری سیاسی رژیم جمهوری اسلامی تها نشی
این از سیاسی مردم و ارشدند نیل از هر جز و نیل از هر کسی با ید از
سرف نیروهای انقلابی مورد توجه قرار کرده ، مردم آماده شدتا به
تصفیه حساب نهایی با این رژیم که به شیا با سها و خفا مت سار
انقلاب خیا با سها روزه است ، بیدار زند ، سوال اینها است کسسه
چگونه این مردم را که در درونشان شور و شوق مبارزه میجود ، که
انگشتان از قشمو غرور ما لامال است و آتش نوشتان در دهن
دارند ، همه لاده و ، دعه و همنه کنند ، نفس ما کتیک تنها همسرا ب
خیا با سها عطشند که از طرف دوستان مانا هدا خیا با سها شکر دینه
وردا خراگند شدتا است ، بیخا به شیت "شیا با سها" یعنی توجده
است که ، انقلاب و سرشوشی رژیم خفا مت سار و انحراف رژیم اسلامی
ما به شکر کسره ، "شیا با سها" یعنی توجدهای مردم صورت بدسره
به شین مطبوعه و نشریون با و دست ، عفا لیت شان خیا با سها
مانا به در این مطبوعه ، و دست سشش برای جلب شده های سسره
به سرازاتی برشته ، را هر طایفه کسوسی ، انقلابی
بیدار شد ، انقلابی شکر سرازه ، توجدهای سرعید رژیم خرا سسره
به شتر ، با ید و تر ، در اربندت خرا از سسره و رده شریخانی انقلابی
است که ، بدون مانا رشت ، بوده صورت پذیرد ، شیا با سها و کسسه
مدر سرازوی بکوشن در گنیر کردن عداوت سرازید و سرازید
سرگوشی رژیم خفا مت سار و سرازید انقلابی است .

"... به اینها اجازه نخواهیم داد که بوسیله تعدد ادی
قرب خورده غافل ، ناگهان اساس جمهوری اسلامی
ایران متزلزل شود..." (لاجوردی)

"... به این عوامل مغرب و مفسدا بگان نهضم کسه
با بجه با زیها نشی کسره راه نمیا تها زند جمهوری اسلامی را
در مخاطره قرار میدهند..." (لاجوردی)

"... کشتن به ششینی و شوق خلق آویز کردن بیست
فعا مت سارترین خا لیت ششینی از دست راست و چپشان
چپ آنها مرید شود" (محمدی گیلانی)

"اسلام اجازه میدهد که اینها را که در دنیا با سها نظرات
مسلحا نم میکنند ، شکر شونند و از کتک زدن و اربما سها
آنها را کله بزنند" (محمدی گیلانی)

"اسلام اجازه نمیده که بتدن خورج اینگونه انسراد
ما شی (یا شیا و "غ") به بیما از ستان برده شود بلکه
با ید سها م کسره تها نشی" (محمدی گیلانی)

این است اسلام و اینچنین است قانون اساسی رژیم جمهوری
اسلامی که سسیرا رده با شیا با سها نشی ، این رژیم "یا شیا با سها"
کشتن چندین ده متفرق روزه و شوا سده به بقای خود ادهه هتد ، این
رژیم انقدر "یا شیا با سها" است که تها نشی خیا با سها سسوددی

"تربیب خورده" (بقول مریزی تربیتی ۲۰ - ۲۰ نفر) "ناگهان"
از اساس متزلزل میشود و برای جلوگیری از آن منبر و شوه ۲۰۰-۲۰۰
شوا و یکجا به سرحد های اعدام میسپارند ؛ این رژیم تقسیر از
"اسلام" م بر خورده است و انقدر "بزرگ" است که از شس "بجه
با سها" ی یک چند عده "عوامل مغرب و مفسد" در مخاطره قرار
مگذارند و این سسیرا سسیرا اسلامی و عفا و سیکند و در گوشه خیا با سها
مردم را به دیوار می چسباند و اعدام میکند ، دومین روحین را شسیرا
"سها م کس" مینماید ؛ این رژیم بقدری از بیخیا با سها عمویسی
سرخورده است که چند عده مغرب و مفسد و سسیرا خورده را به
انفیدترین وجه اعدام میکند ، به "فعا مت سارترین" خا لیت
جلی آویز سسیرا بیدار شده تها نشی هم سیکند و دست راست و چپ
آنها را میبرد ، تا برای "دیگران" (یعنی برای مردم) "درس
عبرت" شود . اینست قانون اسلام و استین و اربندت قیدترین
از سسیرا رژیم خورده گران ولایت ششینی خا کم برای این رژیم که
بیرسد و کشتن و اعدام به ششینی شریک و عفا مت سارترین شسیرا

ان ادهه شراف خودشان برای بظای چند روزه شسیرا سسیرا
رژیم "یا شیا با سها" و "بزرگترین" رژیم دنیا با ید شسیرا
کسیرا ؛ اعمال این عده مریزاسان را بیدار سسیرا و کسیرا
متزلزل خیا با سها از کسره شسیرا سسیرا خیا با سها سسیرا
و سسیرا سسیرا خیا با سها ای ادهه را و خود شسیرا شسیرا
سازات سسیرا خا حار در شسیرا کسیرا سسیرا از کسره و سسیرا
سازات سسیرا خا حار در شسیرا کسیرا سسیرا از کسره و سسیرا
سازات سسیرا خا حار در شسیرا کسیرا سسیرا از کسره و سسیرا

سسیرا سسیرا خا حار در شسیرا کسیرا سسیرا از کسره و سسیرا
سازات سسیرا خا حار در شسیرا کسیرا سسیرا از کسره و سسیرا
سازات سسیرا خا حار در شسیرا کسیرا سسیرا از کسره و سسیرا
سازات سسیرا خا حار در شسیرا کسیرا سسیرا از کسره و سسیرا

سازات سسیرا خا حار در شسیرا کسیرا سسیرا از کسره و سسیرا
سازات سسیرا خا حار در شسیرا کسیرا سسیرا از کسره و سسیرا
سازات سسیرا خا حار در شسیرا کسیرا سسیرا از کسره و سسیرا
سازات سسیرا خا حار در شسیرا کسیرا سسیرا از کسره و سسیرا

سازات سسیرا خا حار در شسیرا کسیرا سسیرا از کسره و سسیرا
سازات سسیرا خا حار در شسیرا کسیرا سسیرا از کسره و سسیرا
سازات سسیرا خا حار در شسیرا کسیرا سسیرا از کسره و سسیرا
سازات سسیرا خا حار در شسیرا کسیرا سسیرا از کسره و سسیرا

سازات سسیرا خا حار در شسیرا کسیرا سسیرا از کسره و سسیرا
سازات سسیرا خا حار در شسیرا کسیرا سسیرا از کسره و سسیرا
سازات سسیرا خا حار در شسیرا کسیرا سسیرا از کسره و سسیرا
سازات سسیرا خا حار در شسیرا کسیرا سسیرا از کسره و سسیرا

سازات سسیرا خا حار در شسیرا کسیرا سسیرا از کسره و سسیرا
سازات سسیرا خا حار در شسیرا کسیرا سسیرا از کسره و سسیرا
سازات سسیرا خا حار در شسیرا کسیرا سسیرا از کسره و سسیرا
سازات سسیرا خا حار در شسیرا کسیرا سسیرا از کسره و سسیرا

سازات سسیرا خا حار در شسیرا کسیرا سسیرا از کسره و سسیرا
سازات سسیرا خا حار در شسیرا کسیرا سسیرا از کسره و سسیرا
سازات سسیرا خا حار در شسیرا کسیرا سسیرا از کسره و سسیرا
سازات سسیرا خا حار در شسیرا کسیرا سسیرا از کسره و سسیرا

سازات سسیرا خا حار در شسیرا کسیرا سسیرا از کسره و سسیرا
سازات سسیرا خا حار در شسیرا کسیرا سسیرا از کسره و سسیرا
سازات سسیرا خا حار در شسیرا کسیرا سسیرا از کسره و سسیرا
سازات سسیرا خا حار در شسیرا کسیرا سسیرا از کسره و سسیرا

روش جمهوری اسلامی:

اعدام و حشيانه، قتل و گشتار سبانه

رفتند و "قانون اساسی" رژیم جمهوری اسلامی را - نه آن "قانون اساسی" روی کاغذها مثال حزب توده و اکثریتی های اجتناب مسا برای پیش سنگ به همیشه میزنند، بلکه آن "قانون اساسی" که در عمل پها ده میشود، برای مردم توفیق دادند، به گوشه ها شمس از آن توجه کنید:

"... اگر اینها را دستگیر کردند (یعنی نظام هر کشتار کان درخیا بان) دیگر معتدل نخواهند شد کم چندی پس ما به بخورد و بخوابد و به بیت المال صرف کنند... اینها محاکمه شان توی خیا بان است." (موسوی شبریزی)

"... یکی از احکام جمهوری اسلامی اینست که هر کس در برابر این نظام و امام عادل مسلمین با برکت کشتن او واجب است... اسیرش را با بیگانهت و زخمی اش را زخمی ترکرد که گشته شود" (موسوی شبریزی)

"اگر کسی پاسداری را مورد هدف بگیرد فرار داد و قهر سرنگونی جمهوری اسلامی را داد و در برابر با ز- گشتی برای او باقی نیست جز اینکه اندامش شود و درس عبرتی برای دیگران باشد" (لاجوردی)

بقیه در صفحه ۷

دستگاه قتل و گشتار رژیم جمهوری اسلامی بی وقفه مشغول بود که راست و چپان شده تنها استراحتی نیز به خود روا نمی دارند، بلکه "کار آبی"!! این دستگاه خونریزی را نیز افزوده است... رژیم جمهوری اسلامی در هفته گذشته، تنها در عرض ۳ روز نزدیک به ۳۰۰ تن را به جوخه های اعدام سپرد. اینچنین است تنها را می که رژیم جمهوری اسلامی برای بقای خود پیمان متوسل شده - پسا تنها را می که مقابل پایشان با زمانده است. این رژیمی که به قول امام موسوی "با شیات تریین" کشور دنیاست!! فقط بیرونی شمشیر خون و اعدام تکیه کرده است، این رژیمی که به قول فرما نده سپاه پاسداران جناب رفائی "بزرگترین" کشور دنیا است!! (این افراد تنهی مغز گویا مالمبولیا گرفته اند و مدانی پیش با افتاده ترین لغات زبان فارسی را نیز از بساده برده اند) شیات و بیزرگی اش فعلا در مغز گلوله های جوخه های اعدامش ستمگس گردیده اند.

سران دستگاه قتل و گشتار این رژیم خیلی خیلی "با شیات" یعنی دادستان کل نهاد انقلاب موسوی شبریزی و حاکم شمسیر و دادستان تهران معتمدی کیلانی و لاجوردی، در هفته گذشته برای اثبات شیات این رژیم پشت بلندگویی را دیو و تلویزیون

دیپلماتی اسلامی برای تمکیم

موقوفیت در داخل

در هفته های گذشته مقامات رژیم سخرهای چندی به کشورهای مختلف داشتند و بتول خودشان گوشتیدند تا توطئه، انزوای ایران را در هم بکنند. اینکه تا چندی پیش انزوا برای جمهوری اسلامی فضیلتی شمرده می شد و دفاع از انزوا یک موضع فدلپیرالسمی و فدا مپیرالسمی و اللقا می نمود و اینک که آقایان قسدرت را فبفه کرده اند تا کمان بنگردانند از انزوا و برقراری روابط با شرق و غرب افتاده اند خود حکایت از حکومت ریاکارانه ای است که بر ملت ما تحمیل شده است، و از این تناقضات در چند زمینه ها در گذشته بسیار بوده است و از این پس هم بیشتر خواهد شد. ولی در این مجموعه سخرها دیدارها شمی و نسجانی از کرده شمالی و مالزی سخرهای به آلمان شرقی و یوگوسلاوی و شرکت موسوی در کنفرانس حبه پایداری در لیبی و شرکت شرکت ایرانی به سرپرستی دعاشی به کنفرانس بین السیال در کوبا را میتوان ذکر نمود. مطابق جدول سران رژیم در با زکات از این سخرها بسا شیات خوشوقتی از موفقیت های بزرگ و مصوبیت شدید سران رژیم ایران در کنفرانسهای مختلف سخن گفتند. مثلا آقای خامنه ای در کنفرانس خیرآورد که کوبا در آشدستا و رنهای حکومت ولایست نقد در ایران! در کرده شمالی تجدید نظر در ما رگیمم آغاز شده است و سلطان نظریه ما رگس را در مورد مذهب پذیرفته اند! دیگران نیز در همین باب سخن ناگفته اند.

اما برای ما مردم، اینکه حکا م ستم پیشه بگوشند تا از بسزار روابط دیپلماتیک برای توجیه سیاست های خودشان سودجویند مسئله تازه ای نیست هنوز تبلیغات محمدرضا ی پهلوی را در ارتباط با سخرهای نزدیکانش بدچین و کوه شمالی و به مسکو و غیره فراموش نکرده ایم و بخوبی بخاطر برداریم که این او آخرتایع کرده بودند که آن شاه به سران قدرت های بزرگ زمانه از غرب و شرق دستور کشورداری می آموخت و سیاست بازان جهان را راه - شمائی میگردد! امروز هم حکومت ایران که در بکارگیری سرور و وحشت و اتحادیست سرکوب و قتل و مرگش را در نا خان با را می - برپا میدارند بین زمینه نیز سلاح جهنه رفانا خان و پسرش را برداشته است و میگوید تا با استفاده از آن برای ما هیت مرتجعان شمس اش توجیه منرقبانه بنوا شد.

به عبارت دیگر، جنبه عمده ای که مقامات رژیم را به نسن سخرها فرستاده است مسئله گرفتاریهای داخلی است. رژیمیی که هر روز تا مدانه اقصا د مملکت را فدای قشری گری و قدرت پرستی در با رخلافت جدید میکند و در عرصه سیاست هم یکی از وحشیانه ترین حکومت های استبدادی تاریخ معا م را به جلوه در آورده است، در مقابل مردمی که هر روز با نفرت بیشتری از آن دوری میجویند روابط دیپلماتیک را بعنوان حربه ای تبلیغاتی مینگارند و میگویند تا بتوا نشیات و قدرت خود را تدا می کنند.

از سوی دیگر آنچه در این سخرها جلب توجه میکند شو عسسی نزدیک با جریانات مرتبط با دست بردن شماییل به شمسوروی در حبه دیپلماتی بین المللی است. ما از مدتها پیش در تحطیل از حزب جمهوری اسلامی و سیاست این حزب که اینک به نطف حمایت بی دریغ آیت الله خمینی به سیاست حاکم بر رژیم ایران سبب بدل شده در حقه